

## آیا "شاهنامه ۶۱۴"، "شاه نسخه" نیست؟

دوست فاضل آقای دکتر محمد روشن در نامه روشنی که در دومین شماره مجله نامه بهارستان چاپ شده است (ص ۱۷۴) بازیه نسخه شاهنامه فردوسی مورخ ۶۱۴ ق، فلورانس پرداخته اند و به استناد اینکه آن را شخصاً دیده اند به "سوگند مغلف" نوشته اند نسخه مخدوش است و تراشیدگی واژگان به چشم نامسلح نیز دیده می شود... اما اشاره فرموده اند مقصودشان از تراشیدگی، در اصل نسخه است یا دستکاری های بی رویه ای که نسخه برگردانان تهران در چاپ عکسی کرده اند؟ که هر بیننده ای را به شک و تردید حتمی وامی دارد!

اگر تراشیدگی واژگان را در نسخه اصلی سراغ کرده اند امیدست آن موارد را برای آگاهی اعلام فرمایند تا کم دانان و سواسی مثل من به چشم مسلح به آن بنگریم.

آنچه شاهنامه شناس نامورمان مهدی قریب و علی رواقی نوشته اند و بدانها هم اشارتی فرموده اند نکاتی است قابل دقت نظر برای مصحح شاهنامه که بی گذار به آب نزنند، مانند فساد قافیه و اختلال وزن و تصحیف خوانی و تسامح در نقطه گذاری و لغات الحاقی (و بنده اضافه می کنم تغییر لغات).

اینها همه از مواردی است که در هر نسخه خطی به جز نسخه خود مؤلف به وجود آمدنی است (اگر چه مؤلف هم ممکن است دچار سهو القلم و سقط مطلب و دیگر آفات کتابت بشود). در کار نسخه شناسی و تصحیح متون نمی توان این موارد را سبب مخدوش بودن نسخه دانست. اینها همه مواردی است که موجب نامضبوط بودن نسخه است، نه مخدوش بودن آن. حتی نسخه مخدوش با نسخه مجعول (ساختگی) فرق دارد و آن هر دو با نسخه نامضبوط. ممکن است بسیاری از معایب متنی در نسخه مورخ ۶۱۴ ق، شاهنامه باشد ولی اگر نسخه از لحاظ فیزیکی و مادی بی عیب باشد باید همه آن فسادها را در زمره نسخه بدل های غیر معتبر و بی فایده ضبط کرد. اگر به نظر ایشان نسخه واقعاً ساختگی است (اگر قید و اطلاق از جانب آقای روشن باشد) مسأله به نسخه شناسی (دقائق کدیکولوژی و پالتوگرافی) بر می گردد یعنی باید کاغذ و مرکب کتابت مورد رسیدگی قرار گیرد. همان طور که در کابوسنامه فرای پس از اطلاع دادن شبهه متنی از جانب هنینگ و اعلام آن به قلم مجتبی مینوی عملی شد و کاملاً معلوم شد آن نسخه بر اوراق قدیمی پاک شده و به جوهر هفتاد سال پیش به دست زبردستان هم روزگار ما ساخته و پرداخته شده است و مهر باطله بر آن خورده شد.

حال که موضوع این "شاهنامه" دوباره مطرح شده است امید است اهل نظر کناره نروند و آراء خود را در خصوص مخدوش بودن، ساختگی (مجعول) بودن، دستکاری شدگی و هر گونه عیب دیگر که در نسخه مورخ ۶۱۴ ق، می یابند بنویسند و جملگی آن مطالب به چاپ برسد تا مگر اجماعی درین قضیه حصول پیدا کند. کاش از جانب کتابخانه مجلس و کتابخانه مالک نسخه مذکور در ایتالیا ترتیبی داده می شد که طبق موازین بین المللی یک بار این نسخه برای نمایش به تهران آورده می شد و کتابخانه مجلس مخارج این کار را بر عهده می گرفت تا رفع شبهه از مخدوش بودن کهن ترین نسخه شاهنامه فردوسی می شد. اکنون که کتابخانه مجلس به کارهای پژوهشی اهتمام کرده است جای آن دارد که چنین خدمتی را هم به سرانجام برساند. زیرا این "سوسه ای" که به وجود آمده است باید ریشه کن و اگر نسخه جعلی است به اتفاق آراء اعلام شود. اگر این نسخه صحیح است ملت ایران می باید ارزش آن را بیش بشناسد از نسخه الاینه که به خط اسدی طوسی در وین نگاه داری می شود.

دکتر محمد روشن



«شاهنامه» قبالة تاریخ و فرهنگ و ادب ماست و این نسخه اگر درست و بی خدشه باشد «شاه نسخه» ماست و قطعاً ارزش معنویش از شاهنامه طهماسبی بسیار بیش خواهد بود.  
فرصت را مناسب می دانم که چند نکته توضیحی را هم به اطلاع برسانم:  
صفحه ۱۸- به کار بردن کلمه «صحافت» به جای «صحافی» اصطلاح مناسبی نیست. در تداول امروزی عرب این کلمه به معنای روزنامه نگاری است نه صحافی و تجلید.

صفحه ۳۲ و ۳۳- قدمت تاریخ نسخه های جدول دار همان طور که فاضل ارجمند آقای نجیب مایل هروی یادآور شده اند محتاج بررسی و وایینی نسخه هاست و چون هنوز جدول مرتب بر حسب سنوات کتابت از مجموعه نسخه های اسلامی درست نیست آن وایینی فعلاً عملی نیست. اما من به کمک یاد مانده های خاطره ای می توانم بگویم که نسخه های قرن ششمی هم هست که مجدول است. یکی که به تازگی دیده ام ختم الغرائب یا تحفة العراقرین خاقانی است که در ۵۹۳ق، کتابت شده است (متعلق به کتابخانه ملی وین Mixt 583). معمولاً جداول آن دوره های یک خطه و به شنگرف (یا نوعی سرخی) است. بنابراین نسخه ای که در ۵۹۳ق، جدول بندی شده باشد میزان تواند بود و دلالت دارد بر سستی که پیش تر از آن رایج بوده.

نکته ای که شاید مناسب گفتن دارد این است که جدول بندی در نسخه های منظوم متداول تر بوده است. ایشان جدول بندی نسخه ذخیره خوارزمشاهی مورخ ۵۸۱ق، مجلس را مؤخر بر کتابت آن دانسته اند. البته گاهی این طور بوده است، مثلاً نسخه ای از دیوان شمس دروین دیده ام (مربوط به قرن گذشته) که جدول آن پس از کتابت کشیده شده و جدول کش به جای اینکه خط جدول را بر روی کلمات بیرون زده از سطر ادامه دهد در محل هایی که به کلمه ای رسیده خط جدول را قطع کرده و دنباله آن را پس از کرسی آن کلمه کشیده است. تعداد خطوط جدول و خط های رنگی آمیزی شده میان چند خط جدول تا پانزده و شانزده تا هم دیده شده است.

صفحه ۶۱- از جماعت ملکان تبریز که نسخه سفینه تبریز با آنها مرتبط است و در روضات الجنات کربلایی نامشان آمده است من به احتمال نشان دیگری می خواهم عرضه دارم (و به آقای عبدالحسین حائری هم گفته بودم) و آن نام دو نفری است که نامشان با ملک در وقف نامه ربع رشیدی شروع شده است (ص ۲۷۴: ملک محمود شاه و ملک داد).

صفحه ۱۱۹- فهرست کتاب های فارسی و عربی و ترکی کتابخانه عمومی نیویورک با مشخصات ذیل چاپ شده است. شاید حق بود نویسنده محترم شماره نسخه و صفحه آن فهرست را در فهرست خود الحاق می فرمودند.

Islamic Manuscripts in the New York Public Library. By Barbara Schmits others. New York: Oxford University Press the New York Public Library. 439 pp.

صفحه ۱۶۲- ترویس «بهترست» به کلمه «ریش دار» برگردانده شود نه «ریشه دار». گرچه در مورد قالی ریشه قالی گفته می شود. میان این استعمال تفاوتی وجود داشته باشد موجب تمایز خواهد بود.  
صفحه ۱۷۰- در مورد نسخه های خطی که در ملکیت مرحوم میرزا مجدالدین (پدر مرحوم نصیری) و خود آن مرحوم بود شاید آنچه می بایست معلوم شود این است که کدام قسمت از کتاب های خود را در زمان حیات به کدام کتابخانه ها فروخت و درباره هر کدام از آنها چه توصیفی شده است.

ایرج افشار